

بررسی نقش سرمایه اقتصادی در توسعه نیافتگی سکونت‌گاه‌های روستایی ایران (مطالعه موردی مناطق روستایی شهرستان دیواندره)

دکتر محمد صادق علیائی*

بهزاد محمدی نژاد**

چکیده

نگاه متمرکز و از بالا به پایین به برنامه‌ریزی روستایی و کم‌توجهی به مؤلفه‌های عمران و توسعه روستایی در چند دهه گذشته موجب از هم گسیختگی سلسله مراتبی روابط شهری و روستایی شده است، و به تبع آن توسعه نیافتگی روستاهای کشور، بروز مسائل و مشکلاتی را برای آنها به دنبال داشته است. از جمله این مسائل می‌توان به کاهش مشارکت روستاییان در سرنوشت خود، پایین بودن اعتماد به نفس، فقدان یک نظام مدیریت مطلوب، بیکاری، مهاجرت و... اشاره کرد. از منظر دیگر، باید شالوده چالش‌های فوق‌الذکر را در عوامل اقتصادی جست و جو کرد. بدین منظور در این مقاله عوامل مؤثر در توسعه نیافتگی سکونت‌گاه‌های روستایی با پرسش زیر مورد مذاقه قرار گرفت:

آیا بین سرمایه اقتصادی با توسعه نیافتگی روستایی رابطه معنی‌داری وجود دارد؟

برای یافتن پاسخ و آزمون این سؤال که به عنوان فرضیه تحقیق نیز مطرح بوده است، ابتدا از میان جامعه آماری، ۳۰۲ خانوار از ۶ آبادی از سه دهستان بخش «کرفتو» شهرستان «دیواندره» انتخاب شد سپس داده‌های مورد نیاز از طریق اسنادی و عملیات پیمایشی گردآوری شد؛ علاوه بر آن، از مصاحبه حضوری با خبرگان محلی نیز استفاده شد. تحلیل داده‌ها نیز به روش توصیفی و آماری انجام شد و نتایج یافته‌ها، تأثیر سرمایه اقتصادی بر توسعه نیافتگی سکونت‌گاه‌های روستایی منطقه مورد مطالعه را تأیید کرده است.

واژگان کلیدی: شهرستان دیواندره، توسعه نیافتگی روستایی، سرمایه اقتصادی، توسعه روستایی

E-mail: Ms oliaei@gmail.com

* عضو هیئت علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

E-mail: Bmohammadinezhad@yahoo.com

** کارشناس وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

مقدمه

بررسی علمی در قالب‌های توصیفی و تبیینی از گذشته‌های دور، که آغاز آن را باید قرین با انجام اصلاحات ارضی روستاها دانست، مورد توجه بوده هر چند که در دهه‌های اخیر این مذاقه صورتی نظام‌مندتر پیدا کرده است و در ارتباط با آن بحث‌ها و نظریه‌های مختلفی از سوی صاحب‌نظران مطرح شده است؛ زیرا رشد و توسعه بسیاری از کشورها در گرو ساماندهی عرصه‌های روستایی است؛ بنابراین، هر اندیشمند و صاحب‌نظری متناسب با بافت فکری و مطالعاتی خویش بحثی را در این زمینه مطرح ساخته است. پیرامون همین مباحث در کشورهای توسعه‌یافته با کشف قانونمندی‌های اساسی علم و زمین جغرافیا از سوی صاحب‌نظران و به کارگیری این قانونمندی‌ها، به نیازهای اساسی و نوین خویش سر و سامان بخشیده‌اند. این جوامع در راستای حرکت مورد بحث، امکانات، تأمین توأمان نیازهای تداوم حیات و افزایش رفاه را نیز به دست آورده‌اند (جوادی زارع، ۱۳۷۶: ۲). اما در جوامع در حال توسعه بدون در نظر گرفتن شرایط کشورشان همان مفاهیم رایج و الگوهای توسعه کشورهای توسعه‌یافته را در کشور خود به کار برده‌اند و در این میان دچار مشکلات بسیار اساسی، به خصوص در برنامه‌ریزی روستایی و تداوم و نقش بخشیدن به آن شده‌اند (سلیمانی تبار، ۱۳۸۲: ۵). به طوری که این کشورها دارای شهرهای بزرگ و بی‌قواره‌ای شده‌اند که چون پمپی مکنده عمل کرده‌اند که علاوه بر سرمایه‌ها و ثروت‌ها، نیروی انسانی را نیز به سوی خود می‌کشند و بر پیکر نحیف اقتصاد بیمارگونه این کشورها سنگینی می‌کنند. این دنباله‌روی و پیروی بی‌قید و شرط و کورکورانه از کشورهای الگو باعث شده است که اینان هویت خویش را نیز فراموش کنند (افتخاریان مهابادی، ۱۳۷۳: ۲).

در ایران نیز مانند سایر کشورهای جهان سوم از دهه ۱۳۴۰ جامعه روستایی دچار تحولات زیادی شد و به روستاییان وعده زندگی بهتر داده شد و یا بهتر است بگوییم به روستاییان القای نیازهای گوناگون کردند. هر چند این القانات مثبت بود، ولی همزمان با آن خدماتی انجام نشد و وضعیت نامطلوب فقر روستایی به وجود آمد (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰: ۸) و حتی «هیئت عملیات عمرانی امریکا در ایران» یعنی اصل چهار، در جهت توسعه و عمران روستاها صورت گرفت که کمتر قرین توفیق بودند و راهبردهای توسعه روستایی مواجه با برخی ناکامی‌ها و پیامدهای منفی بوده است (طالب، ۱۳۸۴: ۲۷۶ و ۲۷۹).

به هر حال امروزه به دنبال اشتباهات گذشته، تغییر راهبردهای اساسی در توسعه احساس می‌شود؛ زیرا توسعه‌ای که باعث بهبود شرایط زندگی همه مردم به خصوص اکثریت فقیر جامعه نمی‌شود، نمی‌تواند یک توسعه واقعی دانست. باید توجه بیشتری به مناطق و مردمی مبذول داشت که در راهبردهای توسعه قبلی نادیده انگاشته یا عمده‌کنار گذاشته شده‌اند. از طرفی نیز در توسعه واقعی مفهومی پیچیده‌تر و جامع‌تر از نظریه

«نیازهای اساسی» وجود دارد که آن مفهوم «کیفیت زندگی» است و این مفهوم هم از نظر مادی و هم از نظر معنوی پیش از نیازهای اساسی است که باید در جامعه روستایی مهیا سازیم (دیاس، ۱۹۸۳: ۴۱ و ۶۹).

توسعه باید به بهبود شرایط زندگی مردم و ارتقای شأن و استعداد آنان به عنوان انسان نظر داشته باشد. فرایند توسعه تنها با همکاری و تعهد آنان عملی می‌شود و برای به دست آوردن و حفظ توسعه سه چیز لازم است:

اول سیاست توسعه باید با نیازهای مردم آن گونه که خود آنان تشخیص می‌دهند، رابطه مستقیم داشته باشد؛

دوم آنان باید برای مشارکت در تدوین و اجرای این سیاست، به طور کامل و فعالانه ترغیب و توانا شوند؛

سوم، دستاوردهای حاصله باید در قالب بهبود بلافصل و محسوس شرایط زندگی آنها انعکاس یابند (باتملی، ۱۳۸۲: ۲۱۵).

متأسفانه به رغم اینکه تجربه تلخ توسعه روستایی در دهه چهل را تجربه کردیم، بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ نیز حرکت‌های عمرانی در جهت توسعه کشور به دلیل فقدان نگرش مشخص برای توسعه، نامشخص بودن راهبرد توسعه، فقدان برنامه‌های هماهنگ، تعدد نهادهای تصمیم‌گیرنده، عدم انطباق بسیاری از فعالیت‌ها و برنامه‌ها با نیازهای جامعه روستایی، بدان‌گونه که باید دولت نیازهای جامعه روستایی را پاسخگو نبوده است و از طرفی در برنامه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی کشور فصل خاصی برای آن در نظر گرفته نشده است؛ فقط در حاشیه برنامه‌های توسعه شهری و کشاورزی و صنعتی بدان اشاره شده است؛ در واقع، در طول چند دهه اخیر راهبرد حاکم بر برنامه‌ریزی‌های ملی راهبرد بخشی بوده است. این راهبرد و عدم وجود هماهنگی بین بخش‌ها و نهادها باعث تشدید مشکلات روستاییان شده است. علاوه بر آن، نوع زندگی مردم که عموماً مبتنی بر نظام سنتی است، قبول برخی از نوآوری‌ها را مشکل کرده است (سلیمانی تبار، ۱۳۸۲: ۶).

توسعه روستایی به عنوان زیرمجموعه‌ای از توسعه ملی است. «توسعه روستایی دیگر صرفاً به معنای توسعه کشاورزی نیست؛ همچنین موردی از رفاه اجتماعی نیست که با تزریق پول به مناطق روستایی برای رفع نیازهای اولیه و اساسی انسانی مرتفع شود، بلکه طیف وسیعی از فعالیت‌های گوناگون و بسیج انسانی را شامل می‌شود که مردم را به ایستادن روی پای خود و از میان برداشتن ناتوانی‌های ساختاری قادر می‌سازد؛ ناتوانایی‌هایی که آنان را در اسارت شرایط نامساعد زندگی‌شان نگه داشته است» (میسرا، ۱۳۶۶: ۶). این امر مستلزم توجه ویژه به عوامل مختلف طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، انسانی، فرهنگی، سیاسی و کالبدی است که در ادبیات جدید توسعه در قالب سرمایه‌های طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، انسانی، فرهنگی، سیاسی و فیزیکی از آنها یاد می‌شود. در این

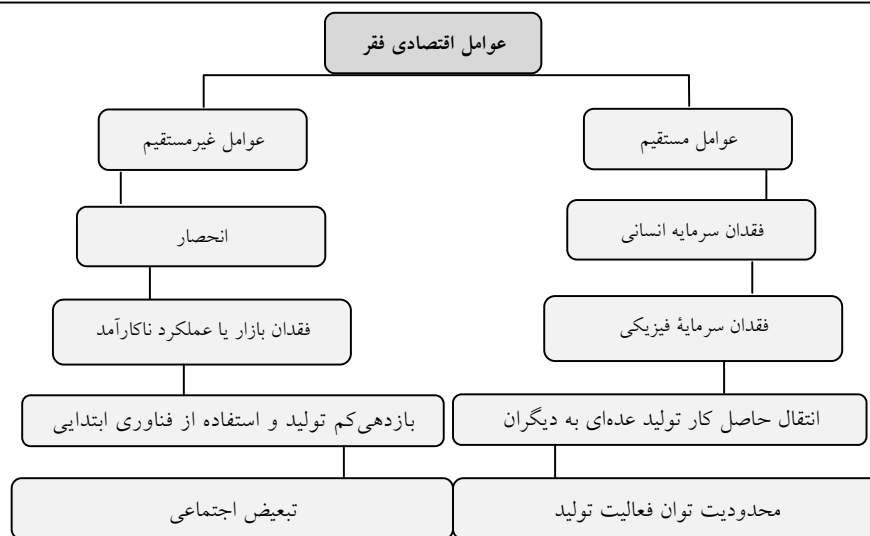
مقاله، با توجه به عنوان و موضوع مورد نظر، مسئله تحت بررسی، محدود به مطالعه رابطه بین سرمایه اقتصادی و توسعه‌یافتگی مناطق روستایی شهرستان دیواندره است.

مبانی نظری

با توجه به اهمیت و جایگاهی که روستا در ایران دارد و به دلیل اهمیت این موضوع، پنج برنامه پیش از انقلاب و چهار برنامه بعد از انقلاب برای توسعه روستایی تدوین و اجراء شده است. متأسفانه هنوز بخش‌های مختلف اقتصادی کشور نتوانسته است در زمینه برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی موجبات توسعه ملی، منطقه‌ای و محلی را در محدوده هدف‌های خود فراهم سازد (شریف‌زادگان، ۱۳۸۲: ۱۶۴). علت این امر را بعضی از محققان سیاست، یک سونگری یعنی توجه به خدمات روستایی در قالب تأمین رفاه، روستاییان به کارکرد سکوتی بدون توجه یا کم‌توجهی به کارکرد اقتصادی - تولیدی روستاها دانسته‌اند (مولایی هاشجین، ۱۳۸۶: ۵۱). در واقع، برنامه‌ریزان از کارکرد اقتصادی آن غافل مانده‌اند و بعضی نیز عدم موفقیت برنامه‌های توسعه روستایی در ایران را بخشی بودن برنامه‌ها و متمرکز بودن برنامه‌ها و روند بالا به پایین برنامه‌ها و عدم رعایت اصول صحیح برنامه‌هایی دانسته‌اند که موجب شد برنامه‌های توسعه روستایی نتواند جایگاه خود را پیدا کند (رضایی، ۱۳۸۲: ۳۲) و یا اینکه الگوهای به کارگرفته برای توسعه روستایی به دلیل عدم سنخیت با ساختار سیاسی، اجتماعی روستاهای ایران و همچنین عدم شناخت و تحقیق کافی برنامه‌ریزان نسبت به جامعه روستایی کشور، موجب نابسامانی‌ها و ناکارآمدی توسعه روستایی شده است (راسخی، ۱۳۸۲: ۳۰). بنابراین، نظریات توسعه را به طور اعم و در باب روستایی به طور اخص می‌توان به چهار رویکرد اصلی زیر تقسیم کرد:

دیدگاه اول، دیدگاه طرفداران دور تسلسل «دایره خبیثه فقر» که در اقتصاد به آن دیدگاه نوسازی نیز می‌گویند، طرفداران این دیدگاه طیفی از اقتصاددانان هستند که توسعه‌نیافتگی را نتیجه عوامل داخلی و وجود دایره خبیثه فقر می‌دانند و آنان معتقدند که در این کشورها فقر وجود دارد. در واقع، فقر باعث شد، که میزان سرمایه‌گذاری پایین باشد و پایین بودن سرمایه‌گذاری باعث خواهد شد که اشتغال پایین باشد و پایین بودن اشتغال نیز موجب کم بودن درآمدزایی خواهد شد (خطیبی، ۱۳۷۱: ۱۶ - ۱۵). به طوری که متغیرهای اقتصادی و اجتماعی زیادی وجود دارند که فقر روستایی و به تبع آن توسعه‌نیافتگی روستایی را گسترش می‌دهد از جمله آن عدم دسترسی به زمین، رشد جمعیت، نرخ تورم، نرخ مرگ و میر نوزادان، امید به زندگی، نرخ باسوادی و سایر عوامل دیگر است، ولی عمده عوامل اقتصادی که نقش اساسی در گسترش فقر به صورت مستقیم و غیرمستقیم دارد، شامل

دیاگرام صفحه بعد است (رضوی، ۱۳۸۲: ۳۸ و ۷۶):



مطالعاتی که در سال‌های اخیر در مورد فقر روستایی در ایران انجام شده است، تخمین‌های متفاوتی از فقر وجود دارد. خوشبینانه‌ترین برآورد که از سوی سازمان برنامه و بودجه صورت گرفته است، ۲۶/۲ درصد از روستاییان را زیر خط فقر به حساب می‌آورد؛ بنابراین، هنوز گروه زیادی از روستاییان در فقر بسر می‌برند (حاجعلی‌فرد، ۱۳۷۵: ۵۷۱). علاوه بر این بررسی توزیع درآمد در روستاهای ایران نشانگر این واقعیت است که وضعیت توزیع درآمد، در روستا در مقایسه با توزیع درآمد در شهرها از وضعیت نامتعادل‌تری برخوردار است. متوسط درآمد سالانه یک خانوار شهری در سال ۱۳۷۹ برابر ۲۲۳۸۸۰۰۰ ریال و یک خانوار روستایی برابر ۱۳۰۴۷۰۰۰ ریال است (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲: ۵۶). و به رغم اینکه برنامه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی که در زمینه توسعه روستایی در داخل کشور اجراء و انجام گرفته است، هنوز نتوانسته است روستاییان را از فقر و بدبختی نجات دهد و شکاف فقر در استان‌های مختلف کشور در سال ۱۳۷۹ در بین گروه‌های مختلف شغلی روستایی از شدت بالایی برخوردار بوده است (عرب مازار و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۳۴)؛ دیدگاه دوم، دیدگاه طرفداران این عقیده که استعمار و امپریالیسم را عامل عقب‌ماندگی و عقب‌نگه‌داشتن کشورها می‌دانند و اصطلاح عقب‌نگه‌داشته را به کار می‌برند. این نظریه بیشتر از سوی جامعه‌شناسان و اقتصاددانان بلوک شرق مطرح شده است. از نظر طیفی از اقتصاددانان، امپریالیسم به عنوان عامل توسعه‌نیافتگی مطرح شده است؛ به عبارتی، آنان توسعه‌نیافتگی را از تئوری امپریالیسم تجزیه و تحلیل می‌کنند؛ در واقع، عواملی خارجی را در توسعه‌نیافتگی دخیل می‌دانند (ازکیا و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۴۵ - ۲۴۴)، و توسعه‌نیافتگی روستایی را نیز با عنایت به دیدگاه مذکور جریانات تاریخی می‌دانند؛ به طوری که، حکام استعمارگر به جای استفاده از این نظام سکونت انسانی به عنوان پایه ایجاد یک جامعه

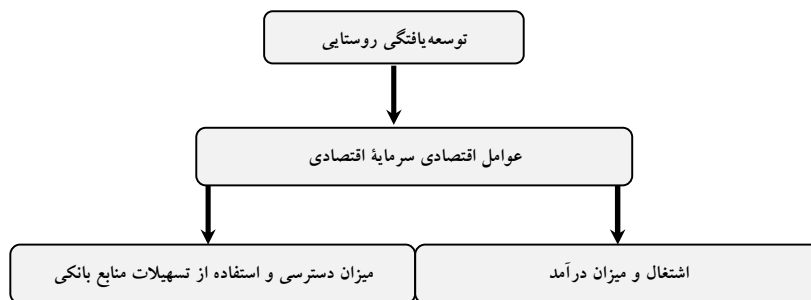
شهری - صنعتی، سیاست‌هایی را در پیش گرفته‌اند که منجر به بروز شکاف عمیقی میان مناطق روستایی و شهری گردید. چرخ‌های فعالیت صنعتی سکونت‌گاه‌های روستایی متوقف شدند تا رقیب و مانعی در مقابل کالاهای اروپایی نباشند. این امر موجب افزایش فشار جمعیت بر روی زمین‌های کشاورزی شد. در این خصوص باید این واقعیت را در نظر داشت، در دورانی که اروپاییان در گروه‌های بزرگ موطن اصلی خود را ترک می‌کردند تا در امریکای شمالی، امریکای جنوبی، استرالیا و حتی در آسیا و آفریقا سکونت گزینند، مردم بومی و آسیا صنایع خود را از دست می‌دادند و به اجبار به سوی منابع طبیعی و زمین‌هایی که بیش از حد استفاده شده و کم بازده بودند جذب می‌شدند. در آفریقا و امریکای لاتین نیز این موضوع تا حدی بروز نمود و بیشتر مردم بومی حق مالکیت زمین‌های‌شان را از دست دادند (میسرا، ۱۳۶۶، ۱۹ - ۱۸)؛

دیدگاه سوم، این دیدگاه علل توسعه‌نیافتگی کشورهای توسعه‌نیافته را تئوری وابستگی می‌داند و معتقدند کشورهای توسعه‌یافته تمام مواد اولیه و خام کشورهای توسعه‌یافته را به کشورهای خود برده‌اند، در عوض محصولات خود را به این کشورها عرضه داشته و صنعت کشورهای توسعه‌نیافته را به خودشان وابسته ساخته‌اند (هاشمی گیلانی، ۱۳۶۹: ۷۵ - ۷۴). بر اساس بررسی‌های صورت گرفته اکثر کشورهای در حال توسعه وابسته به تجارت خارجی هستند. اصولاً بخش صادرات و واردات بخش عمده‌ای از درآمد ملی این کشورها را ایجاد می‌کند (قره باغیان، ۱۳۸۶: ۵۲)؛

دیدگاه چهارم، این نظریه را مطرح می‌کند که توسعه‌نیافتگی نتیجه عوامل داخلی و خارجی، است (لهسایی‌زاده، ۱۳۸۱: ۵۵ - ۵۴). این رویکرد، نزدیک‌ترین دیدگاه برای مقاله حاضر است که در آن به طور عمده بر سرمایه اقتصادی در توسعه‌نیافتگی «روستایی» با مؤلفه‌هایی نظیر شغل، درآمد و دسترسی به منابع بانکی و... تأکید دارد که افرادی نظیر «پیروردیو»، «کلمن»، «پوتنام» و «فوکویاما» واضع آن به شمار می‌آیند. متأسفانه در جامعه روستایی ایران در سطح کلان، بسترسازی لازم برای تحقق (هر یک از آنها) که مستلزم توانمندسازی روستاییان، نجات آنان از وابستگی به دولت، تقویت خوداتکایی در آنان و مشارکت دادن آنها در سطوح مختلف مشارکتی و تغییر لازم در ویژگی‌های شخصیتی‌شان، تقویت روابط بین‌فردی، تمرکززدایی و... است، صورت نگرفته است (غفاری، ۱۳۸۰: ۲۸۲). مطالب ارائه‌شده در قالب دیدگاه‌های مختلف نشان از وجود عوامل مختلفی دارد که در توسعه‌نیافتگی روستایی نقش دارند. این عوامل می‌توانند در صورت‌های ساختاری «سطح کلان»، نهادی و سازمانی «سطح میانی» و در نهایت فردی «سطح خرد» دسته‌بندی شوند. در این مقاله، فقط روی عوامل اقتصادی در قالب سرمایه اقتصادی تأکید شده است.

مدل تحلیلی پژوهش

عنوان شد که با توجه به دیدگاه‌های یادشده، عوامل متعددی در رابطه با موانع توسعه‌یافتگی روستایی دخالت دارد که با عنایت به شرایط اجتماعی جامعه مورد مطالعه و با استفاده از دانش و تجربیات و تحقیقات صورت گرفته و محدود کردن موضوع و مسئله تحقیق بحث در قالب مدل تحلیلی زیر مورد تحدید و دقت قرار گرفته است:



مواد و روش‌ها

از میان جامعه آماری، سه دهستان «اوباتو»، «کانی شیرین»، «زرینه» از بخش «کرفتو» شهرستان دیواندره با استفاده از فرمول انتخاب جامعه نمونه $n = \frac{Z^2 P Q}{e^2}$ (حجازی و همکاران، ۱۳۸۰: ۱۸۷)، ۳۰۲ خانوار از شش روستا به روش تصادفی سیستماتیک انتخاب شدند، سپس روستای منتخب و با استفاده از روش «مدل اسکالوگرام» تحت عنوان روستاهای توسعه بالا، توسعه متوسط و توسعه پایین دسته‌بندی شده است. همچنین داده‌های مورد نیاز به طریق اسنادی و عملیات پیمایشی جمع‌آوری شده است. در برخی موارد از مصاحبه نیز بهره جسته‌ایم. تحلیل و آزمون فرضیه به روش‌های آماری انجام شده است.

تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه

تحلیل داده‌ها

وضعیت اشتغال

با توجه به اینکه منطقه مورد مطالعه به لحاظ موقعیت جغرافیایی یکی از قطب‌های مهم کشاورزی و دامداری است که عموماً روستاییان در این بخش اشتغال دارند.

جدول (۱) توزیع فراوانی نمونه‌های مورد مطالعه در بخش زراعت و باغبانی

وضعیت فعالیت						نوع فعالیت	نوع محصول
مشارکت ندارد			مشارکت دارد				
جمع	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی مطلق		
۱۰۰	۱۶۹	۱۵	۲۶	۸۵	۱۴۳	کاشت، درو، بوجاری، خرمن‌کوبی، آماده نمودن خرمن جداکردن گاه از دانه	گندم
۱۰۰	۱۶۹	۳۵/۶	۶۰	۶۴/۴	۱۰۹	کاشت، درو، بوجاری، خرمن‌کوب، آماده نموده خرمن، جداکردن گاه از دانه	جو
۱۰۰	۱۶۹	۶	۱۰	۹۴	۱۵۹	کاشت، برداشت، خرمن‌کوبی، جدا کردن گاه از دانه، بوجاری	نخود
۱۰۰	۱۶۹	۸۲	۱۳۹	۱۸	۳۰	کاشت، برداشت، خرمن‌کوبی، جدا کردن گاه از دانه، بوجاری	عدس
۱۰۰	۱۶۹	۹۰	۱۵۲	۱۰	۱۷	کاشت، برداشت، وجین	لوبیا
۱۰۰	۱۶۹	۳۶/۷	۶۲	۶۳/۳	۱۰۷	کاشت، درو، خرد کردن، انبار کردن، آبیاری	نباتات علوفه‌ای یونجه، اسپرس و سایر
۱۰۰	۱۶۹	۶۴	۱۰۰	۴۶	۷۷	کاشت، برداشت سبزی، وجین، آبیاری	سبزی کاری
۱۰۰	۱۶۹	۵۵/۵	۹۲	۴۵/۵	۷۷	کاشت، برداشت، وجین، آبیاری	صیفی کاری
۱۰۰	۱۶۹	۷۹	۱۳۲	۲۲	۳۷	میوه چینی	باغداری
۱۰۰	۱۶۹	۹۰	۱۵۲	۱۰	۱۷	نشاء کاری، وجین	توتون کاری
۱۰۰	۱۶۹	۹۰	۱۵۲	۱۰	۱۷	کاشت، برداشت، روغن کشی	کنجد
۱۰۰	۱۶۹	۹۳	۱۵۷	۷	۱۲	کاشت و داشت و برداشت	آفتابگردان

«منبع: مطالعات میدانی محقق سال ۱۳۸۸»

جدول (۲) توزیع فراوانی نمونه‌های مورد مطالعه در بخش امور دام، طیور و زنبورداری

وضعیت فعالیت						نوع فعالیت	واحد فعالیت
مشارکت ندارد			مشارکت دارد				
جمع	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی مطلق		
۱۰۰	۱۶۹	۱۳	۲۲	۸۷	۱۴۷	شیردوشی، تغلیف دام‌ها، رسیدگی به بیماری‌ها، جا به جایی دام، پروار بندی، تمیز کردن اصطبل	دامپروری
۱۰۰	۱۶۹	۷۶	۱۲۹	۲۴	۴۰	آب و دانه دادن، جوجه‌کشی، رسیدگی به بیماری‌ها، جمع‌آوری تخم‌ها، جا به جایی	طیور
۱۰۰	۱۶۹	۷۲	۱۲۲	۲۸	۴۷	سرکشی به کندوها، بچه‌گیری، تغذیه، برداشت عسل، تبدیل کندو	زنبورداری

«منبع: مطالعات میدانی محقق سال ۱۳۸۸»

جدول (۳) توزیع فراوانی نمونه‌های مورد مطالعه در بخش صنایع دستی

وضعیت فعالیت						نوع فعالیت
مشارکت ندارد			مشارکت دارد			
جمع	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	جمع	
۱۰۰	۱۶۹	۸۸/۳	۱۴۹	۱۱/۸	۳۰	قالی بافی
۱۰۰	۱۶۹	۹۱	۱۵۴	۹	۱۵	گلیم بافی
۱۰۰	۱۶۹	۹۱	۱۵۴	۹	۱۵	جوراب بافی
۱۰۰	۱۶۹	۹۴	۱۵۹	۶	۱۰	سجاده بافی
۱۰۰	۱۶۹	۹۴	۱۵۹	۶	۱۰	دستکش بافی
۱۰۰	۱۶۹	۹۴	۱۵۹	۶	۱۰	نخ ریزی
۱۰۰	۱۶۹	۹۷	۱۶۴	۳/۷	۳	پلاس بافی

«منبع: مطالعات میدانی محقق سال ۱۳۸۸»

میزان دسترسی به منابع و تسهیلات بانکی

به رغم اینکه سالیانه مبالغ هنگفتی اعتبارات بانکی از طرف دولت برای تأمین خرید نهادها و نیازهای اساسی و تولیدی روستاییان اختصاص می‌یابد، متأسفانه به دلیل ساختار بانک‌ها و همچنین عدم شفافیت اعتبارات و بالا بودن سود آنها روستاییان از این اعتبارات به خوبی استفاده و استقبال نمی‌کنند و تعداد قلیلی از روستاییان امکان استفاده از این تسهیلات را دارند.

جدول (۴) توزیع فراوانی دسترسی و استفاده از منابع بانکی نمونه‌های مورد مطالعه

فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	شرح
۷۰	۱۱۹	تاکنون از بانک‌ها و یا سایر منابع مالی تسهیلات دریافت نکرده‌ام.
۱۸	۳۰	تاکنون کمتر از یک میلیون تومان از تسهیلات بانک‌ها استفاده کرده‌ام.
۱۲	۱۷	تاکنون بیشتر از یک میلیون تومان از تسهیلات بانک‌ها استفاده کرده‌ام.
۱۰۰	۱۶۹	جمع

«منبع: مطالعات میدانی محقق سال ۱۳۸۸»

میزان درآمد کل نمونه‌ها در سال

با توجه به بررسی‌های به عمل آمده متأسفانه ۵۰ درصد نمونه‌های مورد مطالعه کمتر از دو میلیون تومان درآمد ناخالص در سال دارند و این امر نشانگر محرومیت تلخ در منطقه است.

جدول (۵) توزیع فراوانی میزان درآمد ناخالص سالیانه نمونه‌های مورد مطالعه

فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	شرح
۵۰	۸۴	کمتر از ۲ میلیون تومان
۳۷	۶۳	بین ۲ تا ۳ میلیون تومان
۱۳	۲۲	بالتر از ۵ میلیون تومان
۱۰۰	۱۶۹	جمع

«منبع: مطالعات میدانی محقق سال ۱۳۸۸»

سرمایه اقتصادی

سرمایه اقتصادی در این بررسی از ترکیب دو متغیر مجموع درآمد سالیانه و دسترسی به تسهیلات مالی ساخته شده است که همبستگی بین این دو متغیر به لحاظ آماری برابر با ۹۳ درصد است که در سطح ۹۹ درصد همبستگی معناداری می‌باشد.

آزمون فرضیه

بین عوامل اقتصادی و توسعه‌نیافتگی روستایی رابطه معنی‌داری وجود دارد. عوامل اقتصادی به عنوان متغیر مستقل این فرضیه از طریق امکانات مادی و مالی در اختیار روستاییان مورد سنجش قرار گرفته است که پس از انجام آنالیز واریانس نتایج مربوطه در جدول (۶) آورده شده است:

جدول (۶) مقایسه میانگین سرمایه اقتصادی

سرمایه اقتصادی		متغیرها
انحراف معیار	میانگین	روستاها
۰/۱۹	۳۱/۸	با توسعه پایین
۰/۴۶	۳۲/۱۳	با توسعه متوسط
۲۰/۵۸	۷۴/۷	با توسعه بالا
۲۳/۷	۴۷	کل
	۲۳۶۳	مقدار F
	/۰۰۰	سطح معناداری
	۰/۸۶	آماره اتا

باتوجه به بررسی‌های صورت گرفته و تجزیه تحلیل داده‌های مربوط به این فرضیه بر اساس همبستگی که به شرح جدول (۶) انجام گرفته است، نشان می‌دهد سرمایه اقتصادی برای روستاهایی با توسعه پایین ۳۱/۸ است و برای روستاهایی با توسعه متوسط ۳۲/۱۳ و برای روستاهایی با توسعه بالا ۷۴/۷ است. این تفاوت در میانگین سرمایه اقتصادی نیز با توجه به مقدار F و سطح معناداری آن تفاوت معناداری است؛ بنابراین، فرضیه رابطه بین سرمایه اقتصادی و سطح توسعه روستاها مورد تأیید قرار می‌گیرد و مقدار پیوستگی بین سرمایه اقتصادی و سطح توسعه روستاها مطابق با مقدار آماره‌ها برابر با ۰/۸۶ است. این موضوع نشان می‌دهد اگر چنانچه سرمایه اقتصادی به صورت عادلانه و به سهولت در اختیار روستاییان قرار گیرد، می‌تواند در سطح یکسان به توسعه روستایی کمک کند. در حالی که بر اساس بررسی صورت گرفته در این تحقیق امکان دسترسی افراد برای سرمایه‌های اقتصادی به صورت یکسان نبوده و این تحقیق به خوبی نشان داده است، هر میزان روستا پیشرفته‌تر باشد، از امکانات اقتصادی نیز بهتر و بیشتر استفاده کرده است؛ هر میزان روستا از مرکز دورتر بوده و از سطح پایین توسعه برخوردار بوده دسترسی و استفاده از امکانات اقتصادی نیز کمتر بوده است؛ بنابراین، عوامل اقتصادی نقش مؤثری در توسعه روستایی دارد و

برعکس آن نیز صادق است؛ در واقع، هر میزان امکان دسترسی به منابع اقتصادی کمتر باشد به همان میزان نیز باعث عدم توسعه روستایی خواهد شد.

نتیجه گیری

اگرچه برنامه‌های عمران و توسعه قبل و بعد از انقلاب عمدتاً ماهیت بخشی داشته‌اند، اما طی بیش از نیم سده (۱۳۸۴ - ۱۳۲۷)، همراهی و هم‌سویی نسبی با روند جهانی تغییر از توسعه صرف اقتصادی به توسعه همه‌جانبه و پایدار، تلاش برنامه‌ریزان برای خروج از این وضعیت بی‌تأثیر نبوده است، اما هنوز برخی از عوامل مؤثر بر توسعه، نظیر اشتغال، میزان درآمد و دسترسی و استفاده از تسهیلات بانکی و متغیرهای سازنده هر یک از آنها چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. اگر این امر در مناطقی از کشور ضعیف باشد توسعه‌نیافتگی از مشخصه بارز آن به شمار می‌آید و برعکس با وجود سرمایه‌های اقتصادی بالا نه تنها آن منطقه از میزان توسعه بالایی برخوردار است، حتی انتظار پایداری آن جامعه در ابعاد مختلف نیز وجود دارد؛ در واقع، این نادیده گرفتن مؤلفه‌های توسعه، میزان آسیب‌پذیری جامعه را بالا برده و شکنندگی آن را شدت می‌بخشد، که می‌توان به بخشی از نتایج ناشی از آنها اشاره کرد.

الف) در سطح خرد

- کاهش مشارکت،
- وابستگی روستاییان به تصمیم‌گیری‌های بیرونی و ضعف مهارت‌های رهبری و سازماندهی در میان روستاییان،
- پایین بودن اعتماد به نفس روستاییان برای تصمیم‌گیری‌های اساسی،
- فقدان یک نظام مطلوب مدیریت توسعه روستایی در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی «سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، هماهنگی در اجراء، نظارت و ارزشیابی»،
- نقصان در نهادسازی در مناطق روستایی و عدم شکل‌گیری مدیریت مشارکتی،
- پوشش بسیار ضعیف نظام تأمین اجتماعی و خدمات رفاهی و پوشش‌های بیمه‌ای در مناطق روستایی،
- تشدید بیکاری دائمی و فصلی در روستاهای کشور،
- مهاجرت بی‌رویه روستاییان به خصوص جوانان و تولیدکنندگان و نخبگان روستایی در واقع تخلیه روستاها از نخبه‌ها،
- پایین بودن میزان سطح درآمد خانوار،
- عدم وجود صنایع تبدیلی روستایی در منطقه اشاره کرد.

ب) در سطح کلان

- دوگانگی و عدم تعادل در ساختار اقتصادی بین شهر و روستا و به طبع آن توزیع نامتعادل امکانات زندگی و درآمد میان روستاییان و شهرنشینان،
- نادیده گرفتن سهم روستاهای کوچک در دریافت تسهیلات عمرانی، رفاهی و توسعه‌ای،
- عدم وجود انگیزه‌های لازم برای انتقال سرمایه‌ها به مناطق روستایی و همچنین پایین بودن پس‌انداز و فقدان راهکارهای مؤثر تجهیز آن،
- عدم تناسب ساختار نظام بانکی کشور با ویژگی‌های ساختار نظام تولیدی در مناطق روستایی،
- عدم یکپارچگی و انسجام در برنامه‌ها و اقدامات اجرایی سازمان‌های مختلف در مناطق روستایی اشاره کرد.

منابع

- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی توسعه*. چاپ ششم، تهران: انتشارات کیهان.
- افتخاریان مهابادی، داود (۱۳۷۳). *بررسی مسائل توسعه روستایی شهرستان اردستان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا دانشکده دانشگاه اصفهان به راهنمایی دکتر سیدحسن حسینی ابری.
- باتملی، ترور (۲۰۰۳). *مؤسسات کشاورز - محور برای توسعه کشاورزی فعالیت تعاونی‌ها در امور اعتبار عرضه و بازاریابی*. مترجمان، علی کمالی و همکاران، تهران: انتشارات روستا و توسعه، شماره ۴۷.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (۱۳۷۰). *نشریه داخلی سازمان مسکن و انقلاب*. مرداد ماه شماره ۱۴.
- خطیبی، محمدعلی (۱۳۷۱). *اقتصاد و توسعه*. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران.
- دیاس، هیران دی و همکاران (۱۹۸۳). *درنامه برنامه‌ریزی توسعه روستایی*. تهران: انتشارات روستا و توسعه، شماره ۱.
- جوادی زارع، مقصود (۱۳۷۶). *بررسی و طراحی نظام خدمات‌رسانی روستایی شهرستان اردبیل*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جغرافیا، دانشگاه فردوسی مشهد به راهنمایی دکتر محمدحسین پاپلی یزدی.
- حاجعلی فرد، حسن (۱۳۷۵). *اندازه‌گیری فقر و شناسایی ویژگی‌های خانوارهای زیر خط فقر*. مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر.
- حجازی، الهه و همکاران (۱۳۸۰). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: انتشارات آگاه.
- راسخی، بهروز (۱۳۸۲). *بررسی جایگاه توسعه روستایی در برنامه‌های توسعه کشور*. مجموعه خلاصه مقاله‌های کنگره توسعه روستایی چالش‌ها و چشم‌اندازها، انتشارات مؤسسه توسعه روستایی ایران.
- رضایی سرتشنیزی، پیمان (۱۳۸۲). *ارزیابی جایگاه توسعه و عمران روستایی در برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی قبل و بعد از انقلاب*. مجموعه خلاصه مقاله کنگره توسعه روستایی چالش‌ها و چشم‌اندازها، انتشارات توسعه روستایی ایران.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳). *مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران*. تهران: انتشارات نشر قومس.
- رضوی، سید حسن (۱۳۸۲). *روستا فقر، توسعه، مجله روستا و توسعه*. شماره ۵۲، تهران: انتشارات وزارت جهاد سازندگی.
- روکس برو، یان (۱۳۷۰). *جامعه‌شناسی توسعه نظریه‌های توسعه‌نیافتگی*. ترجمه مصطفی ازکیا، تهران: انتشارات نشر توسعه.

- سازمان و برنامه بودجه استان (۱۳۷۷). آمارنامه استان کردستان.
- سعیدی، عباس (۱۳۸۴). *مبانی جغرافیای روستایی*. تهران: انتشارات سازمان سمت.
- سلیمانی تبار، مریم (۱۳۸۲). *بررسی ساختار فضایی و تحلیل شاخص‌های توسعه روستایی در شهرستان بردسیر*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جغرافیا دانشگاه فردوسی مشهد به راهنمایی دکتر جعفر جوان.
- شریف‌زادگان، محمدحسین (۱۳۸۲). *چالش‌های برنامه‌ریزی و علل کاهش اثربخشی طرح‌های توسعه در ایران*. فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه سال یازدهم شماره ۴۳ و ۴۴، تهران: انتشارات وزارت جهاد سازندگی.
- عرب‌مازار، عباس و همکاران (۱۳۸۳). *برآورد میزان فقر و شدت آن در گروه‌های مختلف شغلی خانوارهای روستایی ایران*. فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۴۵، تهران: انتشارات وزارت جهاد کشاورزی.
- قره‌باغیان، مرتضی (۱۳۸۶). *اقتصاد رشد و توسعه*. جلد اول، چاپ هشتم، تهران: انتشارات نشر نی.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰). *مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه*. تهران: انتشارات وزارت جهاد کشاورزی.
- لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۸۲). *جامعه‌شناسی توسعه*. چاپ دوم، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- مولایی هاشجین، نصراله (۱۳۸۶). *تحلیلی پیرامون الزامات بازنگری در سیاست‌های برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران*. مجله فضایی جغرافیایی، سال هفتم، شماره ۱۷، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر.
- میسرا، آرپی (۱۳۶۶). *توسعه روستایی*. مسائل و مشکلات گاهنامه روستا و توسعه، شماره اول، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی وزارت جهاد سازندگی.
- هاشمی گیلانی، علی (۱۳۶۹). *نظریه‌های توسعه‌نیافتگی*. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مطیعی لنگرودی، حسن (۱۳۸۲). *برنامه‌ریزی روستایی با تأکید بر ایران*، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
- طالب، مهدی (۱۳۷۶). *مدیریت روستایی در ایران*. چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵). *نتایج تفصیلی نفوس و مسکن استان کردستان*. تهران: انتشارات مرکز آمار ایران.
- گزارش فرمانداری شهرستان دیواندره.